

معرفی و نقد کتاب وضعیت اجتماعی کودکان در ایران (۱۳۸۵ - ۱۳۹۵)

مهدی نیک‌عهد*

موضوع کودکی و کودکان در یکی دو قرن گذشته اهمیت خاصی پیدا کرده و به شکل مطالعات آکادمیک و مستقل درآمد است. به خصوص توجه جامعه‌شناختی به این حوزه مقوله‌ای متأخر می‌باشد که بری مایال در کتابی مفصل به آن پرداخته است. بحث کودکان در رشته‌های روان‌شناسی و روان‌کاوی از حوزه‌های مهم بوده است و مشاهیر بزرگ نظیر فروید به آن توجه خاصی کرده‌اند؛ اما در جامعه‌شناسی بحث کودکان نوپاست. در ایران توجه و انتشار کتاب‌هایی درباره جامعه‌شناسی کودکی عمری بسیار کوتاه دارد و به‌طور عمده شامل آثار ترجمه‌شده منابع خارجی است که از اواخر دهه هفتاد شمسی آغاز شده است. شاید مشهورترین این آثار کتاب نقش رسانه‌های تصویری در زوال دوران کودکی باشد. بعدها کتب متعددی با عناوین جامعه‌شناسی دوران کودکی و مطالعات کودکی ترجمه و چاپ شدند. خلأ ادبیات حوزه کودکی، اهمیت مطالعات کودکی و مهم دانستن این دوره در کنار کاستی‌هایی که برای کودکان وجود دارد، انگیزه و دغدغه‌ای مسئولیت‌مداران را برای مؤسسه مردم‌نهاد رحمان^۱ ایجاد کرد. این مؤسسه به مطالعات حوزه کودکی و مطالعات وضعیت و جایگاه کودکان در جامعه ایران توجه ویژه دارد و اندیشمندان کشور را برای پژوهش در حوزه کودکی تشویق و حمایت می‌کند. این مهم با برگزاری نخستین همایش ملی کودکی در ایران در سال ۱۳۹۴ و پس از آن با انتشار دو کتاب درآمدی بر مطالعات کودکی در ایران و جستاری در مطالعات کودکی آغاز شد. در ادامه این رسالت، مؤسسه اقدام به چاپ کتاب دیگری نموده است که در این فرصت معرفی و نقد می‌شود.

* دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه خوارزمی
mehdinikahd@yahoo.com
۱. مؤسسه‌ای غیردولتی و غیرانتفاعی برای انجام فعالیت‌های خیرخواهانه اجتماعی با رویکردی علمی و فرهنگی در سال ۱۳۸۶ در تهران تأسیس شده است. این مؤسسه پیشگیری، کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی را به‌عنوان بخشی از هدف خود در مطالعات دنبال می‌کند.

معرفی کتاب:

کتاب وضعیت اجتماعی کودکان در ایران (۱۳۸۵ - ۱۳۹۵) با ۳۸۷ صفحه در سال ۱۳۹۷ به همت موسسه رحمان آماده شد و انتشارات آگاه آن را به چاپ رساند. مدیر طرح و ویراستار علمی آن پیام روشنفکر^۱ است. کتاب مجموعه مقالاتی است که به سفارش مؤسسه و براساس تخصص و حوزه تحقیقی هر کدام از مؤلفان به رشته تحریر در آمده است. این اثر را می‌توان حاصل کاری گروهی دانست؛ که نویسندگان مختلفی با همکاری و مشورت یک تیم پژوهشی آن را تألیف و استادان و صاحب‌نظران متخصص در حوزه کودکی و آسیب‌های اجتماعی کلیه مقاله‌های آن ارزیابی و داوری کرده‌اند. کتاب از یک درآمد، مقدمه و ۱۵ مقاله تشکیل شده است. عنوان‌بندی مطالب کتاب به شرح زیر می‌باشد:

- درآمد (پیام روشنفکر)
- مقدمه: مرور و بررسی آسیب‌دیدگی کودکان در ایران (فریبرز رئیس‌دانا)
- کودکان و توسعه، شکستن چرخه بین‌نسلی محرومیت‌ها (سعید مدنی قهفرخی، منصوره حمصیان اتفاق)
- وضعیت فقر چندبعدی کودکان در ایران (مهدی نصرت‌آبادی)
- وضعیت کودکان کار در ایران (دلارام علی)
- وضعیت کودکان خیابانی در ایران (دلارام علی)
- کودکان سکونت‌گاه‌های غیررسمی و مناطق حاشیه‌ای شهرها (جمال رشیدی)
- وضعیت محرومیت کودکان مناطق محروم (مجتبی بیات)
- آموزش کودکان در ایران با تأکید بر کودکان بازمانده از تحصیل (جعفر ابراهیمی)
- وضعیت ابتلا به اچ‌آی‌وی و ایدز و رفتارهای پرخطر جنسی در کودکان و نوجوانان (زهرا جرجان شوشتری)
- وضعیت سلامت کودکان در ایران (پیام روشنفکر و پیمان زینتی)
- کودکان معارض و مرتبط با قانون در ایران (پریسا روشنفکر)
- وضعیت کودکان بدسرپرست در ایران (سمانه عابدینی)
- وضعیت کودکان بی‌سرپرست در ایران (دلارام علی و دریا فلسفی)
- وضعیت ازدواج کودکان کمتر از هجده سال در ایران (جلوه جواهری)
- وضعیت خودکشی کودکان در ایران (جلوه جواهری)
- وضعیت کودکان مهاجر، پناهنده و بدون شناسنامه در ایران (حمیدرضا واشقانی فراهانی، آنیتا صدیقی و صدیقه بختیاری)

۱. دکتری علوم سلامت، گرایش عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

تحلیل مقالات

همان‌طور که از عنوان مقاله‌ها برمی‌آید موضوع اصلی کتاب مسئله‌ها و آسیب‌های اجتماعی کودکان است. کتاب متشکل از مقالاتی مروری و تحلیلی می‌باشد که سعی شده با آمارها، شادها و سندهای معتبر گوشه‌ای از وضعیت اجتماعی کودکان (نه تمام ابعاد آن) را نمایان کند. بیشتر مقالات دارای ساختاری تقریباً همسان می‌باشند؛ به این ترتیب که ابتدا وضعیت موجود، آمار و ارقام و تعاریف مورد نیاز ارائه شده، سپس به قانون‌ها و سیاست‌ها و مانع‌های تحقق و دستورالعمل‌های جاری پرداخته شده و در نهایت پیشنهادات و راهکارهای مؤلفان مطرح شده است.

در بخش درآمد به قلم روشنفکر شالوده‌ اصلی کتاب، ضرورت تألیف و اهمیت آن به‌خصوص با تأکید بر هم‌راستایی و هم‌سویی با نهادهای بین‌المللی حمایت از کودکان تشریح می‌شود؛ لذا با توجه به رویکرد حق‌محور و عدالت‌نگر مطرح‌شده از سوی واحد سیاست‌ها و راهبردهای صندوق کودکان سازمان ملل متحد به دسته‌بندی حقوق بنیادی مصرح در پیمان‌نامه حقوق کودک (شامل پنج بخش؛ بقا، سلامت، آموزش، محافظت و گزارش حقوق در پیمان‌نامه) می‌پردازد و به ارتباط مقالات با این دسته‌بندی‌ها اشاره می‌کند.

در قسمت مقدمه رئیس‌دان مقدمه‌ای تفصیلی نگاشته است که ارتباط مقاله‌ها و محتوای بخش‌های مختلف کتاب به همدیگر را ذکر می‌کند و به معرفی انتقادی مقاله‌ها می‌پردازد. وی همچنین اهمیت مطالعات کودکی و اهمیت عوامل اقتصادی در این حوزه را یادآور می‌شود و بر ماهیت ساختاری و کلان تحولات مورد نیاز در این حوزه (با ردیابی تاریخی و تحلیلی خط سیر مسائل کودکان) تأکید می‌کند و راه برون‌رفت را مطالبه‌گری و پاسخگوشدن ساختار قدرت به نیازهای کودکان ذکر می‌کند.

مقاله حمصیان اتفاق و مدنی با عنوان «کودکان و توسعه، شکستن چرخه بین‌نسلی محرومیت‌ها» نقش مقدمه‌ای تفصیلی را ایفا می‌کند و جنبه‌های نظری بحث را در کنار تصویری کلی از وضعیت جمعیت‌شناختی و اجتماعی کودکان توضیح می‌دهد. نویسندگان به رابطه توسعه و توسعه‌یافتگی با حقوق و امتیازات کودکان می‌پردازند و دو مفهوم کودک و توسعه را از بعد نظری تحلیل می‌کنند. آنان برای مفصل‌بندی بیشتر دو مفهوم توسعه و کودکی از نظریه مدرنیزاسیون و روند تاریخی آن، به‌خصوص نسخه‌ای که برای کشورهای جهان سوم ترسیم شده است، استفاده می‌کنند و به منظور اتخاذ رویکردی همه‌جانبه‌تر، دیدگاه‌های سوسیالیستی درباره توسعه، نظریه وابستگی، توسعه نئولیبرال و سیاست‌های تعدیل ساختاری را هم مرور می‌کنند. آنها احتمال رابطه مستقیمی را که بین توسعه و اهمیت به کودکان وجود دارد، به‌خصوص ضمن بحث تعدیل ساختاری، مورد تردید و کاوش بیشتر قرار می‌دهند. نویسندگان

سپس به ارتباط و نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و توسعه‌محور با موضوع کودکی و توجه به کودکان پرداخته‌اند. در ادامه به تأثیری که اقتصاد جهانی، خصوصی‌سازی و سیاست‌های آزادسازی تجاری بر این سازمان‌های مردم‌نهاد و فعالیت‌شان می‌گذارند را بررسی کرده‌اند. آنان با ذکر اهمیت دوران کودکی (به‌خصوص از ابعاد مختلف رشد فیزیکی، عصبی، شناختی، اجتماعی، شخصیتی) و تحلیل ارتباط این ویژگی‌ها و مشخصه‌ها با موارد تأکیدشده در توسعه برای کودکان را تشریح می‌کنند و اهمیت سرمایه‌گذاری در دوران کودکی برای آینده خود کودکان و جامعه را تبیین می‌کنند. این بخش با مرور عنوان‌های آسیب‌پذیری‌های دوران کودکی و ارائه جداگانه توصیفی از آمار وضعیت جمعیت‌شناختی کودکان در ایران به پایان می‌رسد.

نصرت‌آبادی در مقاله «وضعیت فقر چندبعدی کودکان در ایران» به وضعیت فقر کودکان و انواع فقری اشاره می‌کند که همدیگر را تقویت می‌کنند و دارای ابعادی نظیر فقر غذایی، سلامت، آموزش، حفاظت و مشارکت است. این مقاله با استناد به تعاریف سازمان‌های بین‌المللی به توصیف وضعیت فقر چندبعدی کودکان ایران پرداخته و تحلیلی از فقر کودکان ارائه داده است. سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با فقر کودکان به‌خصوص در حوزه‌های تأمین اجتماعی و برنامه‌های توسعه را تشریح و پیشنهادهایی برای حمایت از خانواده‌ها و اشتغال‌زایی مطرح می‌کند.

علیدر در مقاله «وضعیت کودکان کار در ایران» با ارائه آمار، شرایط زیست کودکان کار و ارتباط این مسئله با فقر خانواده‌ها را بررسی می‌کند. در ادامه به تشریح علل مختلف این پدیده از منظر سازمان‌ها و تحلیل‌های بین‌المللی می‌پردازد. در ادامه با مرور قانون‌های داخلی، سیاست‌ها و برنامه‌ها و مانع‌های موجود، نیاز به آمارهای دقیق‌تر و همه‌جانبه‌تری از کودکان کار را یادآور می‌شود و پیشنهادهایی برای حمایت و رفع موانع حمایتی از این کودکان را ارائه می‌دهد.

عنوان مقاله دوم علیدر «وضعیت کودکان خیابانی در ایران» است. وی آماری از وضعیت کودکان خیابانی و آسیب‌ها و مشکل‌های آنها، به‌خصوص آزاردیدگی کودکان مطرح می‌کند. و علل و موانع بهبود وضعیت کودکان خیابانی را تبیین می‌کند. همچنین ضمن ترسیم نقش حمایتی سازمان‌های مردمی و غیردولتی حمایت هرچه بیشتر و تدوین قوانین حمایتی را پیشنهاد می‌دهد.

مقاله «کودکان سکونت‌گاه‌های غیررسمی و مناطق حاشیه‌ای شهرها» به قلم رشیدی وضعیت سکونت‌گاه‌های غیررسمی، وضعیت کودکان در این مناطق و آسیب‌ها را توصیف می‌کند. معضلات و موانع به خصوص برای کودکان را تشریح می‌کند و ضمن تأکید بر سرمایه‌گذاری بیشتر در این مناطق، نقش برجسته دولت در بهبود اوضاع را متذکر می‌شود. وی با تشریح اقدامات انجام شده در بهبود وضعیت این مناطق، پیشنهاد می‌کند به این مناطق و حل مشکلات آنها بیشتر اهمیت داده شود.

بیات در مقاله «وضعیت محرومیت کودکان مناطق محروم» با بیان حقوق بنیادی کودکان و گزارش وضعیت آماری آنان به بررسی وضعیت کودکان در مناطق محروم استان‌های مختلف کشور می‌پردازد و مشکل‌ها و علت‌ها را تحلیل می‌کند. همچنین به سراغ سیاست‌ها و برنامه‌های موجود در حوزه حقوق بنیادی کودکان (یعنی آموزش، بهداشت و حمایت) می‌رود و در نهایت عدم تداوم فعالیت‌ها و در نتیجه ناپایداری دستاوردها در این حوزه را نقد و رفع تبعیض‌ها را پیشنهاد می‌کند.

در مقاله «آموزش کودکان در ایران با تأکید بر کودکان بازمانده از تحصیل» به قلم ابراهیمی، وضعیت آموزش کودکان در ایران با توصیفی جمعیت‌شناختی از دانش‌آموزان و تعداد نیروی‌های آموزشی برحسب اسناد دولتی را تبیین می‌کند. و با تأکید بر قانون آموزش برای همه در ایران، آمار بازماندگان از تحصیل و ترک تحصیلی‌ها را ارائه می‌دهد. وی دلایل این پدیده اعم از ساختار اقتصادی- اجتماعی و ساختار نظام آموزش را بررسی می‌کند و پیامدهای این پدیده را متذکر می‌شود. و با تشریح مانع‌ها و سیاست‌های موجود، اصلاح ساختار آموزشی در این حوزه را پیشنهاد می‌دهد.

جرجران شوشتری در مقاله «وضعیت ابتلا به اچ‌آی‌وی و ایدز و رفتارهای پرخطر جنسی در کودکان و نوجوانان» وضعیت شیوع ایدز در ایران و علت‌های آن، روند رشد و ارتباط آن با کودکان را تحلیل می‌کند. و به سراغ سیاست‌ها و برنامه‌های اجرا شده و موجود از سوی نهادهای دولتی و مردمی می‌رود. وی تأثیر این مسائل بر کودکانی که به هر نحوی با این بیماری یا بیماران آن درگیر هستند، می‌پردازد. مهم‌ترین راهکار را حمایت‌های دولتی و تقویت آن و هماهنگی سازمان‌های دولتی در این حوزه می‌داند.

روشنفکر و زینتی در مقاله‌ای با عنوان «وضعیت سلامت کودکان در ایران» با فاکتورهایی اعم از سلامت پیش از تولد؛ پیشگیری بارداری، سقط جنین و بارداری ناخواسته؛ مراقبت حین و پس از بارداری؛ میزان مرگ و میر مادران و کودکان؛ وضعیت تغذیه، وزن و قد کودکان؛ رشد، واکسیناسیون و حوادث دوران کودکی؛ سلامت روانی و معلولیتی کودکان؛ سلامت اجتماعی و مهارت‌های زندگی کودکان را بررسی کرده‌اند. سپس علل برهم‌خوردن فاکتورهای سلامت را تبیین می‌کنند. و به نقد سیاست‌گذاری‌های حوزه کودکی در ابعاد مختلف می‌پردازند. در بخش جمع‌بندی بر عوامل ساختاری و اقتصادی و کم‌توجهی در تدوین سیاست‌های منطبق با سلامت بدون اعمال تبعیض و نابرابری تأکید می‌کنند.

مقاله «کودکان معارض و مرتبط با قانون در ایران» به قلم پریسا روشنفکر با ذکر آمار و ارقام، وضعیت کودکان مرتبط با قانون را بررسی و تفاوت این دو را بیان می‌کند. در بحث تحلیل علت‌ها و مشکل‌های این کودکان، ضمن مرور عوامل اجتماعی، محیطی و فرهنگی به

تشریح علل در چهارچوب‌های قوانین، سیستم قضایی، قانون‌گذاری و حمایتی جامعه می‌پردازد. از محورهای مقاله می‌توان به ذکر عوامل و دلایل متکثر، نقد سیاست‌ها و برنامه‌های این حوزه، پیشنهاد محقق، گسترش حمایت از این‌گونه کودکان به‌خصوص از ناحیه دولت و همچنین خدمات مددکاری مطلوب‌تر و افزایش کمی و کیفی خدمات حمایتی اشاره کرد. همچنین تدوین قوانین و مقررات متناسب با انواع کودکان، از قربانی تا شاهد و یا مجرم را مهم دانسته است.

مقاله عابدینی با عنوان «وضعیت کودکان بدسرپرست در ایران» پس از تعریف مفهوم بدسرپرست، مشکلات و دلایل کودک‌آزاری و انواع آن را بیان می‌کند. و برای بهبود و تناسب قوانین و مقررات و تعهد بیشتر نهادهای مربوط در این حوزه پیشنهادهای ارائه می‌دهد.

مقاله علی و فلسفی با عنوان «وضعیت کودکان بی‌سرپرست در ایران» وضعیت کودکان بی‌سرپرست و پراکندگی و نابرابری مراکز حمایت از این کودکان را در ایران بررسی می‌کند. و با مرور پژوهش‌های انجام‌شده در این‌باره به ذکر علت‌ها و مانع‌های این حوزه می‌پردازد و قانون‌ها و سیاست‌های موجود را واکاوی می‌کند. همچنین پیامدها و تبعات محرومیت‌های این کودکان را گوشزد می‌نماید، در پایان افزایش کمی و کیفی نهادهای حمایت‌گر از این کودکان را پیشنهاد می‌دهد.

جواهری در مقاله با عنوان «وضعیت ازدواج کودکان کمتر از هجده سال در ایران» با تعریف مفهوم ازدواج کودکان و ارائه آمار وضعیت موجود و روند تغییر این آمارها در طول زمان، اهمیت مسئله را بیان می‌کند. محقق عواملی نظیر محرومیت‌ها، قانون‌ها، پایگاه اجتماعی و اقتصادی و عوامل فرهنگی و ساختاری را از عوامل مؤثر در افزایش این پدیده می‌داند. وی ضمن تأکید بر پیامدها، نقش توسعه (افزایش آگاهی خانواده‌ها، کاهش فقر و ادامه تحصیل) را در کاهش این پدیده مفید می‌داند. در پایان پس از مرور سیاست‌ها و برنامه‌های موجود و نقد برخی قوانین و تأکید بر کاستی‌ها، پیشنهادهای پیرامون تهیه آمار و ارقام دقیق‌تر و انجام پژوهش‌های بیشتر ارائه می‌دهد.

عنوان مقاله دیگر جواهری در این کتاب «وضعیت خودکشی کودکان در ایران» است. وی با ارائه آمار، وضعیت خودکشی کودکان در استان‌ها و مناطق مختلف کشور را بررسی می‌کند. و به بررسی دلایل خودکشی‌ها اعم از عوامل خانوادگی؛ هنجارهای جامعه؛ در دسترس بودن ابزار خودکشی؛ سابقه خودکشی؛ اختلالات روانی و افسردگی می‌پردازد و با اشاره به جرم‌نبودن خودکشی، قوانین و برنامه‌های این حوزه و اقدامات دولتی و نهادهای اجتماعی را نقد می‌کند و در آخر الزام مسئله شفافیت آمارهای مربوط در این حوزه را متذکر می‌شود.

مقاله آخر کتاب با عنوان «وضعیت کودکان مهاجر، پناهنده و بدون شناسنامه در ایران» از واشقانی فراهانی، صدیقی و بختیاری است که به موضوع کودکان مهاجر و مسائل آنان

می‌پردازند. نویسندگان با ارائه آمار، به سراغ علل و دلایل وضعیت نابسامان این حوزه می‌روند. و به بررسی مشکلات اقامتی و هویتی؛ آموزشی؛ سلامتی؛ نبود سازوکار حمایتی؛ تبعیض‌های جنسیتی می‌پردازند. البته عوامل تشدیدکننده‌ای نظیر فقر، محرومیت، کمبود اقدامات دولتی و سازمان‌های مردمی در رفع مشکلات این حوزه را تحلیل می‌کنند.

نقد کتاب:

این کتاب از لحاظ توجه به مسئولیتی اجتماعی و رسالتی علمی در پردازش موضوع کودکان پیشگام است و تلاشی شایسته و ستودنی است. همچنین از لحاظ انسجام در اطلاعات در حوزه‌های خاص، کار علمی گروهی، طرح مسئله و نمایش ابعاد مختلف مسئله‌ها و مشکل‌ها و آسیب‌های کودکان قابل تحسین می‌باشد. با وجود این نقدهایی بر این اثر وارد است. ابتدا نقد کلی کتاب و سپس نقدهایی مربوط به مقالات ارائه می‌شود.

کارهای تیمی و پژوهش‌های گروهی، محاسن زیادی دارند؛ اما معایبی را نیز دارند، که این کتاب هم از این مقوله مبرا نیست. به طور کلی در این‌گونه طرح‌ها به این دلیل که با یک مؤلف مواجه نیستیم، نمی‌توان نقدهایی همه‌شمول مطرح کرد و باید ملاحظات برای هر نویسنده به طور خاص بیان شود. مقاله‌های مطرح‌شده در اثر بهتر است فرمت، ساختار و ویرایش یکدستی داشته باشند. با وجود تلاشی که در این راستا شده است، انسجام و یکدستی به طور کامل در مقاله‌ها دیده نمی‌شود. از سوی دیگر تغییر قلم و کیفیت تحلیل‌ها در مقالات مختلف به طور ملموسی مشهود است.

عنوان کتاب با محتوا تناسب ندارد. عنوان، بررسی وضعیت اجتماعی کودکان را تداعی می‌کند؛ که همه جنبه‌ها چه آسیب‌شناسانه و چه موضوعات معمول اجتماعی را پوشش می‌دهد و فقط به اقشار فرودست نمی‌پردازد. در حالی که مباحث کتاب بر مسائل و آسیب‌های اجتماعی کودکان و اقشار فرودست جامعه متمرکز است. بنابراین بهتر بود تناسبی بین عنوان و محتوا وجود داشت و مسائل و آسیب‌ها در عنوان ذکر می‌شد تا انتظاراتی در خواننده ایجاد نشود که کتاب آن را برآورده نکند.

کلیت کتاب، توسعه و ملحقات آن (بدون جرح و تعدیل) نسخه‌ای مطلوب است و به استحاله فرهنگی که این توسعه در بین فرهنگ‌ها (به‌خصوص وقتی صحبت از سبک زندگی عشایر است) در مناطق مختلف ایجاد می‌کند توجهی ندارد. همچنین زمانی که از برابری و مساوات در تقسیم امکانات صحبت می‌شود، به سطح توقعات و میزان مطالبات که به طور قطع در همه مناطق یکسان نیست اشاره نشده و گویی برای جامعه‌ای یکدست پیشنهاد و راهکار ارائه شده است. در کل کتاب به دلیل تحلیل‌ها و سبک ارائه آنها، پیشنهادها و نتیجه‌ها دارای

ویژگی منحصر به فردی نیست. بیشتر راهکارها کلی، ساختاری و کلان بوده است؛ که البته ممکن است در حوزه شناخت مسئله یاری‌رسان باشد، اما در حوزه رفع مسئله ممکن است ناامیدکننده باشد، زیرا که همه رویه‌ها را موقوف به رفع موانع کلان می‌داند.

تغییراتی پیوسته برای بهبودی در وضعیت کودکان لازم است؛ ولی هنوز شرایط پذیرش این تغییرات در کشور فراهم نیست. به نظر می‌رسد مقایسه وضعیت کشور با کشورهای پیشروی این حوزه و استناد به کنوانسیون‌های بین‌المللی باعث بحرانی‌تر نمایش دادن اوضاع این حوزه می‌شود. تکیه بر نسخه‌های عمومی و جهانی نقدهایی را در این حوزه وارد می‌کند که قبلاً بر الگوهای توسعه‌ی غیربومی در جهان وارد کرده است. به عبارت دیگر الگوبرداری‌ها باید حداقل‌هایی از ملاحظات بومی- فرهنگی ایرانی را داشته باشد. به‌خصوص به فرهنگ شهری و روستایی، مقوله‌های شرع و عرف دینی و ملاحظات سنتی، عشیره‌ای و قبیله‌ای جامعه توجه شود.

تأکید اصلی کتاب علاوه بر توسعه، بر فقر و مشکلات اقتصادی است. راه‌حل‌های ارائه‌شده در حد کلیاتی نظیر رفع فقر و محرومیت، توزیع عادلانه درآمدها و مواردی از این دست می‌باشد؛ در حالی که انتظار می‌رود راه‌حل‌هایی مشخص‌تر ارائه شود. در کمتر مقاله‌ای به نیازسنجی از خود کودکان توجه شده و در بیشتر مواقع دانش برساختی بزرگسالان و محققان تعیین‌کننده ضرورت‌های اجرایی، اقدامی، قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری بوده است. در صورتی که خود کودکان باید به عنوان مشارکت‌کنندگان فعال جامعه و نه فقط سوژه‌های شناخت لحاظ شوند. کتاب فاقد نتیجه‌گیری کلی و جمع‌بندی است. در مقدمه به قلم رئیس‌دانا معرفی کلی از کتاب انجام شده است؛ اما این مقدمه اصلاً جای خالی جمع‌بندی را پر نمی‌کند. خود مقدمه هماهنگی چندانی با بقیه مقاله‌ها ندارد؛ و بر عامل اقتصاد بیش از عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تأکید دارد. همچنین گفتمان غرب‌محور در برخورد با مسئله کودکان نقد شده است، اما در برخی از مقاله‌ها در نتیجه‌ها و پیشنهادهایی که ارائه کرده‌اند از رویکردهای بومی کمتر استفاده شده است.

تعدادی از آمارها و رقم‌ها در چند مقاله تکرار شده‌اند. همچنین نحوه گزارش آمارها و جدول‌ها در شماری از مقاله‌ها (مثل مقاله ابراهیمی و مقاله جرجان شوشتری) خواندن متن را دشوار کرده است؛ که با ویرایشی یکدست و دقیق این اشکال برطرف می‌شد. بهتر بود روشنفکر بخش درآمد کتاب را مفصل‌تر ارائه می‌کرد و تصویری دقیق‌تر و مفصل‌بندی بهتری از مقالات می‌داد. تا در ابتدا تصویر منسجم‌تری از کتاب به خواننده ارائه شود. در برخی از مقاله‌ها (مثل مقاله حمصیان اتفاق و مدنی) آمار و ارقام بین‌المللی ارائه‌شده قدیمی هستند. این امر برای برخی از آمارهای داخلی به دلیل به‌روزرسانی منابع آماری شاید قابل توجیه باشد ولی برای آمارهای بین‌المللی می‌تواند یک نقیصه تلقی شود.

برخی بخش‌های مقاله حمصیان اتفاق و مدنی دچار پراکندگی و عدم ارتباط منطقی است. همچنین در این مقاله بحث فقر بیش از حد تقبیح شده و چرخه بازتولیدی آن نکوهش شده است. ضمن اینکه مقاله ایرادهای متعدد تاپیی در آمار و ارقام داشته است. در مقاله رشیدی برخی آمارها تکراری می‌باشند و نقص عمده دیگر این مقاله نتیجه‌گیری‌های انتزاعی نظیر: تأثیر اسکان در سکونت‌گاه‌های غیررسمی در گرایش به جریان‌های بنیادگرایی و هنجارشکنانه است. در مقاله بیات به اختصاص امکانات به مناطق محروم و یا فراگیری آموزش اشاره می‌شود؛ ولی ملاحظات فرهنگی مناطق مختلف و سطوح توسعه و توقعات آنها در نظر گرفته نشده و نسخه پیشنهادی بسیار کلی است. ابراهیمی در مقاله‌اش با تأکیدی که بر رابطه ادامه تحصیل با موفقیت آینده افراد داشته است، ادعایی قابل بحث ارائه می‌دهد. جرجران شوشتری در مقاله‌اش آمارها و اطلاعاتی را ذکر کرده است؛ که ارتباط اندکی با کودکان و موضوع اصلی دارد. در مقاله روشنفکر و زینتی آمار و اطلاعات نامرتبط با بحث به چشم می‌خورد و مقاله نسبت به کیفیت محتوای آن حجیم است. مقاله پریسا روشنفکر نیز دارای توضیحات اضافی و فاقد ضرورت می‌باشد. جواهری نیز در مقاله‌اش به قداست‌بخشی به توسعه و تحصیلات و تأکید بر شواهدی غیرقابل اثبات درباره ازدواج زودهنگام بدون توجه به ملاحظات فرهنگی این حوزه پرداخته است.

جمع‌بندی

کتاب وضعیت اجتماعی کودکان در ایران، به‌عنوان مجموعه مقالاتی با محوریت کودکان، بخشی از ناهنجاری‌ها و کاستی‌های اغلب اجتماعی کودکان را نمایش می‌دهد. مقالات شکل مروری داشته‌اند و بیشتر ارجاع‌ها به آمار و ارقام موجود و غالباً رسمی است. مقالات نگاهی جامعه‌شناسانه دارند. بیشتر مقالات از ریشه‌یابی و مطالعه تاریخی گذر کرده و به ذکر علت‌ها و روبه‌های موجود پرداخته‌اند. کمتر مقایسه‌هایی بین گذشته و حال انجام شده و مقایسه‌ها با آمارهای بین‌المللی بسیار کم است. تلویحی که در مقالات وجود دارد، توجه و اهمیت کودکی را مقوله‌ای مدرن و ملازم با رشد و توسعه اقتصادی می‌داند. عمده راه‌حل‌های کتاب متوجه دولت و نهادهای رسمی بوده است و تغییرات کلان را درمانگر می‌دانند. تأکید بر فقر و محرومیت در همه مقالات مشهود است و پیشنهادات بر محور کلی‌گویی‌ها و اندرزهایی برای سیاستمداران می‌چرخد. تحلیل‌ها و تبیین‌ها در کمتر موردی اثبات شده‌اند و به نوعی روش‌شناسی مقالات قابل انتقاد است. بیشتر مقالات کتاب ترسیمی از آسیب‌های اجتماعی کودکان در طبقات پایین اقتصادی جامعه می‌باشد؛ که علت این سوگیری پژوهشی هم می‌تواند مورد سؤال باشد. به‌طور کلی کتاب فواید و اطلاعات مفیدی برای خواننده آن به ارمغان می‌آورد؛ اما می‌توان با

بهره‌گیری از آرای صاحب‌نظران رشته‌های مختلف و تنوع در شیوه‌های پژوهش و تحلیل و همچنین دوری از انتزاع و کلی‌گویی نارسایی‌های کتاب را کاهش داد.

منابع

- پستمن، نیل (۱۳۹۱) نقش رسانه‌های تصویری در زوال دوران کودکی، ترجمه صادق طباطبایی، تهران: اطلاعات.
- روشنفکر، پیام (۱۳۹۷) مجموعه مقالات وضعیت اجتماعی کودکان در ایران (۱۳۸۵ - ۱۳۹۵)، تهران: آگه.
- ذکائی، محمدسعید (۱۳۹۶) مجموعه مقالات درآمدی بر مطالعات کودکی در ایران، تهران: آگه.
- مایال، بری (۱۳۹۵) تاریخچه جامعه‌شناسی کودکی، ترجمه حسام حسین‌زاده، تهران: نشر اینترنتی رهایی.
- وودهد، مارتین و همکاران (۱۳۹۷) مجموعه مقالات جستاری در مطالعات کودکی، ترجمه زینب غنی و همکاران، تهران: جامعه‌شناسان.